جذب کردن

جذب کردن شخصی به معنی جالب یا جذاب بودن برای او است.

خواب تمام روز نظرم را جلب می کند ، اما من باید به مدرسه بروم.

فرض کردن

فرض کردن چیزی تصور درست بودن آن است ، حتی بدون اثبات.

تصور می کنم هر دو با این طرح آشنا هستید.

امانت گرفتن

قرض گرفتن چیزی به معنای گرفتن آن و سپس پس دادن آن است.

آیا می توانم مداد را قرض بگیرم تا امروز استفاده کنم؟ من فردا آن را به شما باز خواهم داد

مشتری

مشتری ، شخص یا مشاغلی است که برای انجام خدمات به دیگری هزینه می کند.

او مشتری های زیادی دارد که از آمدن به سالن او لذت می برند.

مرکز شهر

مرکز شهر مرکز اکثر شهرها است.

مرکز شهر پر از ساختمانهای بلند است.

کسل کننده

اگر چیزی کسل کننده باشد ، هیجان انگیز نیست.

فیلم بسیار کسل کننده ای بود. با دیدنش خوابم برد.

خجالت کشیدن

شرمنده کردن کسی به این معنا است که باعث می شود احساس شرمندگی یا احمق بودن کند.

او خجالت زده بود از اینکه نام او را به خاطر نمی آورد.

کرایه

کرایه مبلغی است که برای استفاده از اتوبوس ، قطار یا تاکسی پرداخت می شود.

پدربزرگ من هزینه کمتری برای اتوبوس پرداخت می کند از آنجا که او سالخورده است.

سابق

سابق چیزی را توصیف می کند که قبلاً وجود داشته است اما اکنون بیشتر نیست.

این هتل ، قلعه ای سابق ، بیش از 200 سال پیش ساخته شده است.

فرمول

فرمول مجموعه ای از راه و روشهای ریاضی برای حل مسئله است.

من فرمول جدیدی یاد گرفتم که ممکن است در حل مشکل به ما کمک کند.

تاسیس کردن

تأسیس یک شرکت یا سازمان به معنای راه اندازی آن است.

مهاجران یکی از اولین مستعمرات در ایالات متحده را تأسیس کرد.

سرمایه گذاری

سرمایه گذاری به معنای استفاده از پول به روشی است که بعداً سود کسب کند.

من در یک ساختمان جدید سرمایه گذاری کردم که باید برای من سود دهی داشته باشد.

وام

وام عمل وام دادن چیزی ، معمولاً پول است.

من از بانک وام گرفتم.

کاربردی

اگر چیزی کاربردی باشد ، در زندگی عادی مفید است.

یادگیری زبان انگلیسی کاربردی است. شما می توانید آن را در بسیاری از مکان ها استفاده کنید.

ربع

یک چهارم 25 سنت است.

او 25 سنت برای آبنبات پرداخت کرد.

حقوق

حقوق و دستمزد به میزان درآمد شخص در کارش گفته می شود.

او شغلی جدید با حقوق بهتری پیدا کرد.

بورس تحصیلی

بورس تحصیلی پولی است که به یکی داده می شود تا بتواند به مدرسه برود.

بورس تحصیلی گرفتم تا بتوانم هزینه دانشگاه را پرداخت کنم.

موقت

اگر چیزی موقتی باشد ، برای مدت کوتاهی وجود دارد.

این ماشین فقط موقتی است. من به زودی یکی جدید می گیرم

گنج

گنج مجموعه ای از چیزهای ارزشمند ، به ویژه جواهرات یا طلا است.

نها وقتی گنج دفن شده را پیدا کردند بسیار ثروتمند شدند.

اصرار کردن

اصرار کردن به کسی این است که خیلی تلاش کنید تا او کاری انجام دهد.

او به آنها اصرار کرد که داستانش را باور کنند.

کار پیتر رانندگی تاکسی در مرکز شهر بود. او حقوق کمی گرفت. اما او کارش را دوست داشت زیرا کسل کننده نبود. او هر روز چیزهای جدیدی می دید که مورد توجه او قرار گرفته بودند. پیتر در مورد آینده عملی بود. او فکر کرد: "شاید بتوانم بورسیه دانشگاه شوم." "من می توانم فرمول های ریاضی را یاد بگیرم و در یک بانک کار کنم. من می توانم به مشتریان کمک کنم پول خود را سرمایه گذاری کنند. "

پیتر برای سوار كردن مسافر ایستاد. "به کجا؟" او پرسید.

“به بانک خیابان چهارم بروید. و با من صحبت نکن من یک روز سخت داشته ام ، "مرد گفت. پیتر عصبانی بود ، اما فلسفه مسالمت آمیزی داشت. وقتی آنها متوقف شدند ، کرایه مرد به 10.25 دلار رسید. دستانش را توی جیب هایش کرد. "کیف پولم را پیدا نمی کنم!" او گفت. "من نمی توانم کرایه را پرداخت کنم!"

پیتر گفت: "شاید من به شما وام موقت بدهم. شما می توانید ده دلار و یک چهارم از من وام بگیرید. "

مرد خجالت کشید و گفت: ”من با تو بدجنس بودم ، اما اکنون می خواهم به تو کمک کنم. من این بانک را تأسیس کردم. من می خواهم هزار دلار به شما بدهم. "

این مقدار پول برای پیتر مانند یک گنج بود. مرد به او اصرار کرد که پول را بگیرد ، اما او این کار را نکرد.

مرد گفت: "تو فرد صادقی هستی" "من فرض کردم شما آن را می گیرید. من می خواهم شما برای من کار کنید. "

روز بعد ، پیتر کار خود را در بانک شروع کرد. او از انجام کار قبلی اش خوشحال بود.